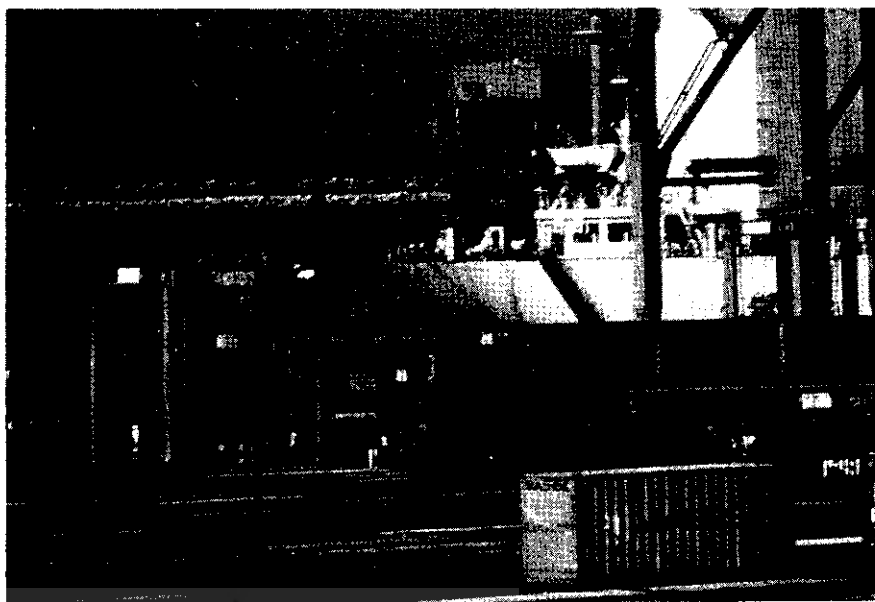


صنعت و معدن، صادرات، استان مازندران، رفاه کارگران، مسکن، استان هرمزگان، و شرکتهای سرمایه‌گذاری بانک ملی، بانک سپه، بانک صادرات، تامین اجتماعی، صندوق بازنشستگی بانکها، سرمایه‌گذاری ملی ایران، بنیاد شهید و بنیاد جانبازان.

در سالهای آغاز برنامه خصوصی‌سازی، قیمت سهام عرضه شده به عموم در بورس بسیار پایین بود که سود بادآورده‌ای را بلافاصله نصیب خریداران کرد ولی سپس قیمتها بالا رفته و باعث افزایش عرضه سهام در بورس گردید و شاید عمده‌ترین دلایل موفق نبودن برنامه خصوصی‌سازی در ایران توسعه نیافتگی بازار سهام در کشور و ناکارآمدی بورس اوراق بهادار تهران باشد. بورس زمانی می‌تواند کارایی داشته باشد که بتواند پیوسته جریان منظمی از منابع مالی را جذب کرده و در اختیار متقاضیان قرار دهد.

نکته مهم اینکه قبل از اجرای سیاستهای خصوصی‌سازی باید بستر مناسب در زمینه فرهنگ قوانین کار، مالیات و غیره فراهم شده باشد؛ همچنین هماهنگ شدن و فعال شدن نظام بانکی و نظام قیمتگذاری کالا، با سیاستهای خصوصی‌سازی ضروری است. همچنین به نظر می‌رسد روشهای دیگری نیز برای بهتر اداره کردن واحدهای اقتصادی وجود دارد که لزوماً تغییر مالکیت را دنبال نمی‌کند، بلکه به صورت پیمانهای اجرایی، مدیریتی و نظارتی مطرح می‌شوند. در پیمانهای اجرایی، اداره امور شرکتهای دولتی به مدیران بخش عمومی و در پیمانهای مدیریتی اداره این‌گونه شرکتهای به مدیران بخش خصوصی واگذار می‌شود و در پیمانهای نظارتی، دولت بر صنایع انحصاری نظارت می‌نماید. گفتنی است که این پیمانها در شرایطی موفق می‌شوند که تعهدات قراردادهای منعقد فی مابین را



خصوصی‌سازی راهکاری در جهت توسعه اقتصادی

غلامرضا درباری | لیسانس مدیریت بازرگانی از دانشگاه علامه طباطبائی

برای نخستین بار در ایران در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار تعدادی از رجال، کارخانه‌هایی را به ایران آوردند، از جمله کارخانه چراغ‌گاز حاجی میرزا حسن خان سپهسالار که در سال ۱۲۹۷ ایجاد شد، کارخانه قندسازی کهریزک که به همت میرزا علیخان امین‌الدوله در سال ۱۳۱۷ به کار افتاد و کارخانه‌های بلورسازی و چینی‌سازی و ابریشم تابی که امین‌الضرب تاسیس نمود، و این اولین حرکت‌های خصوصی‌سازی در ایران بود.

قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (خرداد ۱۳۷۰) هدف از واگذاری واحدهای بخش عمومی را به دلایل ارتقای کارایی، کاهش حجم تصدی دولت در فعالیتهای

غیرضروری، ایجاد تعادل اقتصادی و استفاده بهینه از امکانات کشور عنوان کرد. در طی سالهای ۱۳۶۹-۱۳۷۲ جمعاً ۱۰۱ شرکت شامل ۷۵ شرکت از طریق سازمان صنایع ملی ایران و ۲۶ شرکت از طریق سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران واگذار گردیدند. در تصویب‌نامه هیئت دولت در سال ۱۳۷۰ اعلام شده است که حداقل ۲۴۸ واحد تولیدی ۳۳ درصد از سهام خود را به کارکنان انتقال دهند در حالی که تنها سهم ۸۰ شرکت و آن هم در سطحی پایینتر از ۳۳ درصد به کارکنان عرضه گردیده است.

بسیاری از سهام عرضه شده در بورس را واحدهای بخش عمومی خریداری کرده‌اند؛ از جمله بانکهای سپه، کشاورزی، ملی،

به صورت کامل و روشن اجرا شوند. خصوصی سازی می تواند منجر به افزایش بهره‌وری بنگاههای اقتصادی شود و در نهایت به افزایش بهره‌وری ملی و در نتیجه به رشد و توسعه اقتصادی منجر می شود.

در کشور ما خصوصی سازی در صنعت، که باید موجب ارتقای بهره‌وری واحدهای صنعتی تحت مدیریت دولت شود اینگونه نبوده است که مهمترین دلایل در ادامه آمده است. سرمایه‌داران داخلی گهگاه بینش صنعتی نداشته‌اند و مدیران با سابقه و توانمند نیز سرمایه‌های کافی برای واحدهای صنعتی در اختیار ندارند؛ همچنین انگیزه و جذابیت‌های غیرتولیدی صنعت مانند زمین، ساختمان عمدتاً مورد جلب توجه سرمایه‌گذاران و خریداران قرار گرفته است و در بسیاری از موارد هدف از خصوصی سازی کسب درآمد برای دولت یا دستگاه مربوط است که با هدفهای اصلی مغایرت داشته است. در اینجا باید به این نکته توجه نمود که برای بهره‌ورتر کردن واحدهای صنعتی می توان زمین و ساختمان را به صورت اجاره‌ای در اختیار مستقاضیان قرار داد و ماشین‌آلات را نیز می توان با اعطای تسهیلات مناسب بانکی به متقاضی فروخت یا به صورت اجاره بلندمدت به آنها واگذار کرد. البته باید توجه داشت که خصوصی سازی فرایندی پیچیده است و در این خصوص باید مسائل مختلفی از جمله امنیت سرمایه گذاری، مالکیت، بهینه نمودن قوانین و ... را در نظر داشت.

خصوصی سازی فرایندی است تدریجی و باید بدقت ترسیم شود و مجموعه‌ای از سیاست‌هایی را دنبال می کند که باعث تحول و دگرگونی ساختاری در بسیاری از سازمانهای اقتصادی، می شود. نه می توان انتظار داشت که منابع جامعه را به مکانیزم بازار سپرد و نه آنکه در اختیار بوروکراسی دولتی گذارد. سودی که در

حسابداری تعهدی محاسبه می شود در بسیاری از موارد معیار درستی در تعیین ارزش اقتصادی بنگاه نیست زیرا در محاسبه آن، مبلغ و زمان جریانهای نقدی در نظر گرفته نشده است. در این خصوص مدیران باید به اهمیت مبلغ و زمان جریانهای نقدی پی برده و تصمیمات خود را بر روی

عواملی که بر این موضوع اثر می گذارد متمرکز نمایند. همچنین مدیریت باید از هدفهای ارزش آفرینی که برای سهامدار ارزش افزوده ایجاد نمی کند چشمپوشی نماید. برای مثال افزایش درآمد و افزایش سود هدفی نیست که همواره با هدف ایجاد ارزش افزوده همسو باشد. در همین رابطه باید گفت تمرکز روی هدفهایی مانند افزایش سود ممکن است مسیر تفکر مدیریت را از توجه به ایجاد ارزش منحرف کند و فقط به طرف مدیریت حسابها رهنمون سازد و اگر انتظار نمی رود پروژه‌ای بتواند این ارزش افزوده را برای مدیریت برآورد سازد باید از آن صرف نظر کرد. در واقع مدیران باید به اعمالی دست زنند که نشان دهند در جهت بیشتر نمودن ارزش سهام هستند.

مهمترین عامل در تامین مالی شرکتهای دولتی عبارت است از: ناتوانی بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در طرحهای عمرانی و کم بازده، نبودن انگیزه لازم برای سرمایه گذاری توسط بخش خصوصی، تمایل به کسب خود اتکایی در اقتصاد ملی و تسریع فرایند توسعه اقتصادی و غیره. در بودجه سال ۱۳۶۹ کل کشور حدود ۳۰۰ شرکت دولتی وجود داشته است؛ البته تعداد آنها بمراتب خیلی بیشتر و شاید حدود ۳۰۰۰ شرکت باشد. در این راستا و در بررسی بودجه حدود ۲۶۲ شرکت

خصوصی سازی فرایندی است تدریجی و باید بدقت ترسیم شود و مجموعه‌ای از سیاست‌هایی را دنبال می کند که باعث تحول و دگرگونی ساختاری در بسیاری از سازمانهای اقتصادی می شود.

دولتی، بانک، موسسه انتفاعی وابسته به دولت در قانون بودجه سال ۱۳۶۹ مشخص گردید که حدود ۱۵۴ شرکت سودده بود و متوسط نرخ سوددهی آنها ۱۴ درصد بوده است اما از میزان سود مزبور فقط ۲۶ درصد به حساب درآمد عمومی واریز شده و مابقی به حساب اندوخته‌ها و طرحهای سرمایه‌ای منظور گردیده است.

روشهای خصوصی سازی عبارت است از: فروش مستقیم، واگذاری به کارکنان، واگذاری به گروه مدیریت خارج از شرکت، مزایده، واگذاری از طریق سهام قابل فروش در بورس، و تجربه اروپای شرقی (در این روش بهای سهام به صورت رایگان یا با بهای ارزان در اختیار سایرین قرار می گیرد). همچنین از دیگر روشهای خصوصی سازی واگذاری کارخانه‌ها به صورت افقی، مثلاً کلیه کارخانجات بافندگی و یا واگذاری به صورت عمودی مثلاً یک کارخانه و کلیه کارخانه‌هایی که از آن تغذیه می شوند.

در انگلستان نیز ۵ هدف عمده خصوصی سازی عبارت بوده است از: افزایش کارایی، کاهش دخالت دولت، افزایش مشارکت، کاهش نیاز به استقراض و کاستن کسر بودجه، و افزایش سهم بخش خصوصی در مالکیت.

توسعه اقتصادی مفهومی بسیار فراگیر دارد که تحولی ریشه‌ای در جامعه ایجاد می نماید؛ تحولی که همه امور اعم از تولید، توزیع، نوآوری، تغییر نظام آموزشی و سایر نظامهای اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و قوانین و مقررات ذی ربط را در برمی گیرد.

کشورهای در حال توسعه کشورهایی هستند که در حال سیر این تحول تاریخی هستند و همواره در مواجهه با سلطه فنی و تکنولوژیکی دیگران قرار داشته‌اند.

به هر حال این واقعیت وجود دارد که در جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم همواره احتمال اینست که این سلطه وجود داشته باشد، هست. پس ما باید تحولی در نظام و فعالیتهای اقتصادی خود ایجاد کنیم که همواره منجر به ایجاد ارزش افزوده شود. این به معنی انباشت ثروت و

پایین بودن درآمد عمدتاً ناشی از بهره‌وری پایین، سرمایه‌گذاری کم، تکنولوژی عقب مانده، محدودیتها و کمبود منابع و بالا بودن جمعیت است.

امکان سرمایه‌گذاری مجدد و نهایتاً بهبود در بهره‌وری و سطح زندگی، یعنی توسعه اقتصادی است. ضمناً باید همواره به خواستن و ایجاد تحول فرهنگی در این زمینه اندیشید و این درگرو تلاش و پشتکار و اعتقاد راسخ همگان اعم از دولتمردان، صاحبان ثروت و صاحبان اندیشه و قلم است. باید این خودباوری را ایجاد کنیم که ما هم می‌توانیم مطابق شرایط و ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی خود نظام‌سازی کنیم و یا به عبارتی دیگر تحول ایجاد نماییم. تشخیص اینکه ما دور توسعه را طی می‌کنیم و یا دور اضمحلال را، کار پیچیده‌ای نیست.

در بیشتر کشورهای در حال توسعه قبل از آنکه محدودیتهای اقتصادی، تکنولوژیکی و غیره مطرح باشد به نظر می‌رسد بیشتر محدودیتهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وجود داشته است که ریشه در درون دارد و ما تا نخواهیم نمی‌توانیم این محدودیتها را از میان برداریم؛ خواستنی که با تغییر در بینش و فرهنگ و روحیه و توانمندی و صبر و بردباری متبلور خواهد شد.

باید بخواهیم تا بتوانیم ارزش آفرینی کنیم؛ ارزش نوآوری، ارزش پژوهش و تحقیق، ارزش آموزش و پرورش منابع انسانی، ارزش تحلیلگری مالی و اقتصادی و ... ما باید کاری کنیم تا میزان شرکت مردم در سرمایه‌گذاریها و بازار سرمایه وسیع و

آگاهانه باشد و نه حاشیه‌ای و تقلیدی.

دولت ما به عنوان متولی یک کشور در حال توسعه بزرگ در فعالیتهای اقتصادی حضور تعیین کننده‌ای دارد و در این ارتباط آگاهی و دانش سیاستگذاران می‌تواند تعیین کننده بوده و سرآغاز تحول مدیریت در جامعه

باشد. در این راه می‌توانیم به جای اینکه فقط از اشتباهات گذشته پند بگیریم، راهکارها را پس از انجام تحقیقات و پژوهشهای لازم به صورت موردی و آزمایشی به اجرا بگذاریم تا پس از حصول اطمینان از موفقیت آمیز بودن نتیجه بدان عمل نماییم. برای نیل به هدفهای خصوصی سازی، شرکتهای سرمایه‌گذاری موثرترین و ممکن ترین وسیله‌ای به حساب می‌آیند که نقدینگی کوچک و بزرگ و سرگردان را جذب و تورم را کاهش می‌دهند و از طرف دیگر با مجموع این نقدینگی سرمایه‌های در خور توجهی ایجاد می‌شود. نکته دیگر اینکه به دلیل نفوذ و تاثیر حسابداری غربی در کشورهای در حال توسعه، تاکنون هیچ کشور در حال توسعه‌ای نتوانسته است نظام

حسابداری مناسبی طراحی و اجرا نماید که در وهله اول جوابگوی نیازهای اطلاعاتی منطبق بر شرایط خود باشد. بریستون (Briston) یکی از دانشمندان علم اقتصاد می‌گوید هر کشوری مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خاص خود را دارد و هدفها و نیازهای اطلاعاتی مدیران اقتصادی هر کشور نسبت به کشور دیگر تفاوت می‌کند و در نتیجه هر کشور باید

به جای تقلید ساختار و نظامهای اطلاعاتی سایرین، سیستم متناسب با نیازهای خود را طراحی و اجرا کند.

امروزه مسلم است که حل یک مسئله به خودی خود به ایجاد مسائل و مشکلات جدیدی می‌انجامد و برای حل این مشکلات متعدد و پیچیده خلاقیت و نوآوری ضروری و حیاتی است. همچنین مدتهاست که اهمیت اختراع به عنوان تنها مرحله نوآوری که مستلزم خلاقیت است مورد تردید قرار گرفته و خلاقیت در تمامی مراحل نوآوری حائز اهمیت شناخته شده است و این تصور که خلاقیت استعدادی است که تنها در افراد خاصی وجود دارد مدتهاست منسوخ شده و مشخص گردیده است که همگان دارای این استعداد هستند و این استعداد قابل پرورش است.

همچنین در برنامه‌های تعدیل ساختاری باید سعی شود از گروههای کم درآمد حمایت شود. این حمایت می‌تواند شامل کاهش هزینه‌های آموزش و بهداشت برای افراد کم بضاعت، اختصاص یارانه به کالاهای اساسی، پرداخت هزینه بیکاری، ایجاد فرصتهای اشتغال و غیره باشد. حمایت از گروههای کم درآمد می‌تواند باعث بهبود وضعیت معیشتی آنها و موجب

افزایش در بهره‌وری، پس انداز، سرمایه‌گذاری و ارتقای سطح فرهنگ و زندگی آنها گردد.

پایین بودن درآمد عمدتاً ناشی از بهره‌وری پایین، سرمایه‌گذاری کم، تکنولوژی عقب مانده، محدودیتها و کمبود منابع و بالا بودن جمعیت است.

در کشورهای کمتر توسعه یافته عوامل بیکاری عبارت است از فشار جمعیت، فقدان فرصتهای شغلی، پایین بودن

دولت ما به عنوان متولی یک کشور در حال توسعه بزرگ در فعالیتهای اقتصادی حضور تعیین کننده‌ای دارد و در این ارتباط آگاهی و دانش سیاستگذاران می‌تواند تعیین کننده بوده و سرآغاز تحول مدیریت در جامعه باشد.

بهره‌وری و ... در این خصوص باید گفت درصد جمعیت بیکار در کشورهای توسعه نیافته ۸ الی ۲۵ درصد است.

بخش چشمگیری از درآمد افراد ثروتمند در کشورهای در حال توسعه (که غالباً از مالکان بزرگ، تجار عمده، سرمایه‌داران وابسته و غیره هستند) به جای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تولیدی صرف خرید کالاهای مصرفی و تجملاتی وارداتی، همچنین خرید خانه‌های مجلل، مسافرت‌های خارج از کشور، خرید طلا و جواهرات و عتیقه و خرید ویلا یا افتتاح حساب بانکی در کشورهای دیگر می‌شود.

قدرتمندان در زمینه‌های خرید ملک و زمین صرف شده و کمتر عامل توسعه اقتصادی می‌گردد.

الکساندر گرشنگرون (Alexander Greshengron) معتقد است عوامل صنعتی شدن از کارآفرینان بخش خصوصی، در انگلستان در هنگام انقلاب صنعتی، به بانکهای سرمایه‌گذار در آلمان و سپس به دولت در روسیه تزاری تغییر یافته است. اما به نظر می‌رسد در ایران عوامل توسعه اقتصادی و صنعتی کارآفرینان بخش عمومی و خصوصی و با انگیزه مشارکت باشند.

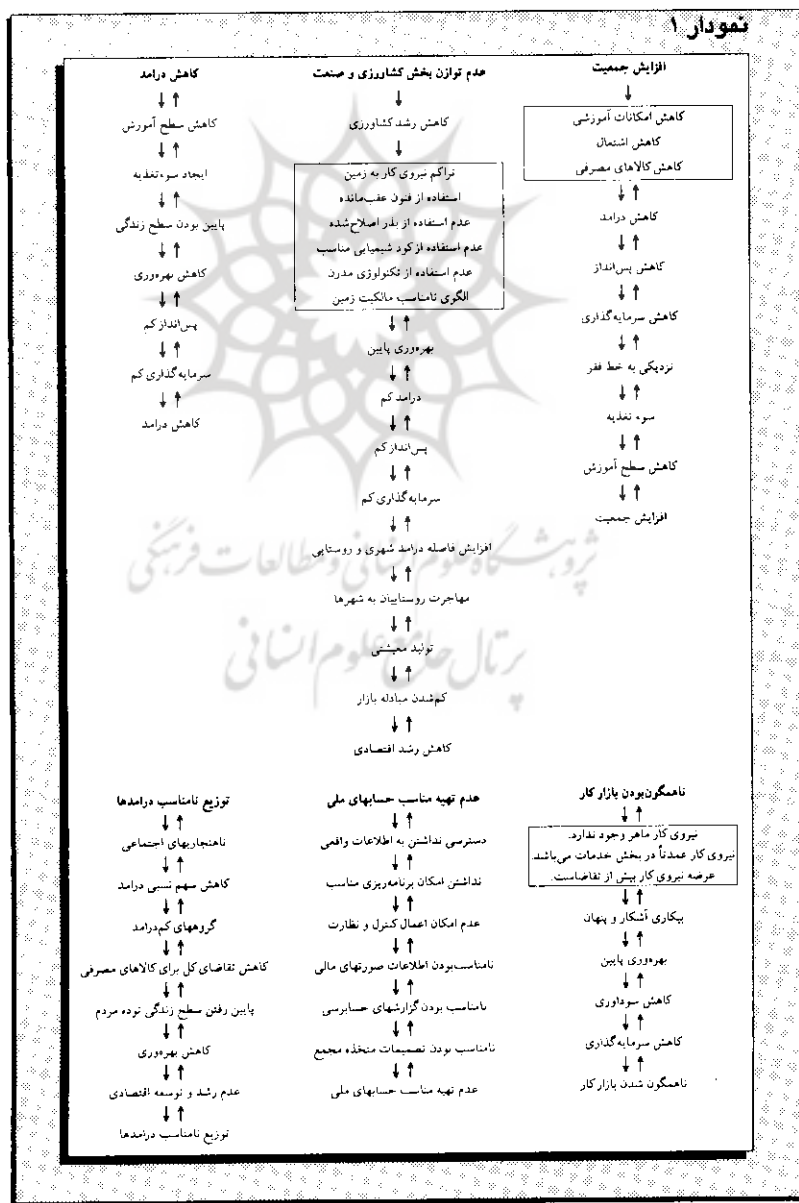
استراتژی صنعتی شدن از طریق جانشینی واردات عمدتاً در اقتصاد مختلط به کار می‌رود. در این استراتژی وظیفه دولت هدایت بخش خصوصی در مسیر مطلوب صنعتی است. برقراری تعرفه‌های بالای گمرکی همراه با سهمیه‌بندی کالا از ابزار مهم این استراتژی است.

معایب استراتژی فوق (جانشینی واردات) این است که تخصیص سرمایه‌ها از بخش کشاورزی به بخش صنعتی منتقل می‌شود، تولید کالاهای مصرفی کارخانه‌ای در مقایسه با محصولات کشاورزی افزایش می‌یابد، قیمت انواع کود و تجهیزات

شیمیایی وارداتی کشاورزی افزایش می‌یابد، سوددهی بخش کشاورزی کاهش می‌یابد، سرمایه‌گذاری بیشتر به طرف خدمات شهری نظیر آب، برق، راه و ... متمایل می‌گردد و تولیدکنندگان داخلی قادر به رقابت با شرکت‌های خارجی و صدور کالا نیستند.

استراتژی توسعه صادرات موجب بروز مزایای نسبی در اقتصاد می‌شود، مانند استفاده بیشتر از نیروی کار در تولید، کاهش نسبت سرمایه به کار رفته و افزایش اشتغال در صورت ثابت بودن دستمزد. در ارتباط با سود باید گفت سود به خودی خود هدف نیست. اگر

در صورتی که بهبود در توزیع درآمدها باعث افزایش نسبی درآمد گروه‌های فقیر و کم درآمد جامعه می‌شود و تقاضای کل را برای کالاهای ضروری افزایش می‌دهد (پوشاک، مسکن، محصولات غذایی و سایر خدماتی که امکان تولید آنها در داخل وجود دارد) و موجب رشد اقتصادی در داخل کشور می‌شود و همچنین باعث بالا رفتن سطح زندگی اقشار وسیعی از توده‌های مردم از طریق بهبود بهداشت، آموزش و پرورش و در نتیجه افزایش بهره‌وری و توسعه اقتصادی می‌گردد. در کشور ما انباشت سرمایه عمدتاً توسط



اهداف	سیاستها	منابع و امکانات	سازمانهای مورد نیاز
خودکفایی داخلی	سیاست توسعه کشاورزی	مدیریت‌های کارآمد	سازمان تربیت کارآفرینان
توسعه صادرات	سیاست توسعه صنایع کوچک	نیروی انسانی توانمند	موسسه خدمات اطلاعاتی و فنی و تخصصی
توازن در بخشهای اقتصادی	سیاست توسعه صادرات	استفاده بهینه از سرمایه و منابع	مراکز توسعه تکنولوژی
استقلال اقتصادی	سیاست ایجاد صنایع بزرگ	بومی	مراکز بازاریابی و اطلاع‌رسانی
ریشه کن کردن بیسوادی	سیاست باز اقتصادی	استفاده بهینه از مدار اولیه	صندوقهای ضمانت توسعه صنعتی
افزایش سطح بهداشت	سیاست جذب سرمایه‌گذاران	همکاری و عزم ملی در توسعه	مرکز کنترل کیفی و استاندارد‌ها
افزایش اشتغال	خارجی	گسترش فرهنگ صنعتی	موسسات صادراتی تخصصی
عدم تمرکز و استقلال منطقه‌ای		تکنولوژی پیشرفته	پارکهای علمی و تکنولوژی
			بانک و موسسات پولی خاص

منبع: طرح توسعه و توسعه منطقه‌ای، شریف‌الاسلامی

امتحانات بتوانند نیروهای مورد نیاز صنایع کوچک را در اختیار جامعه قرار دهند. گفتنی است که دروس این مدارس به صورت ۴۰ درصد تئوری و ۶۰ درصد عملی بوده و از نظر سازمانی در ارتباط نزدیک با صنایع مربوط خواهد بود.

امروزه مشخص شده است که پیشرفت اقتصادی و رشد مستمر پایدار اقتصادی کشورهای صنعتی توسعه یافته نتیجه نظامهای آموزشی کارآمد، آموزش مناسب، اطلاع‌رسانی موثر و مدیریت مطلوب بوده است. به هر حال آنچه مهم است این است که اگر کشورهای در حال توسعه زیر بناهای لازم علمی و فنی، نیروی انسانی متخصص، ساختار اجتماعی و از همه مهمتر اراده سیاسی لازم را نداشته باشند قادر به توسعه نخواهند بود.

دور چرخش عوامل ناشی از کاهش درآمد، افزایش جمعیت، عدم توازن بخش کشاورزی و صنعت، چگونگی توزیع درآمد، عدم تهیه مناسب حسابهای ملی و بازار کار مربوط در نمودار ۱ آمده است.

چهار رکن اصلی در توسعه اقتصادی در کشورهای جنوب شرقی آسیا که به بیره‌های کوچک آسیایی معروفند عبارت است از هدفها، سیاستها، منابع و امکانات و سازمانهای مورد نیاز که در نمودار ۲ آمده است.

سه‌ساله به یک کارگر ماهر تبدیل شده و بتوانند با حمایتها و قراردادن تسهیلات لازم از سوی مراجع ذیصلاح به جرگه پیشه‌ورانی بپیوندند که در آینده‌ای نه چندان دور، با تجربه مهارتهای لازم یکی از تولیدکنندگان موفق باشند که فرآورده‌های آنها باعث افزایش بهره‌وری در صنعت شود و این موجب انتقال سرمایه به افراد مزبور و انباشت سرمایه و نهایتاً سرمایه‌گذاری مجدد از طرف ایشان و سپس بهره‌وری و کمک به توسعه و رشد اقتصادی خواهد شد. همچنین نوجوانانی که دوره سه‌ساله هنرستانهای عالی مشاغل را طی کرده‌اند یا سایر افرادی که مایل به ادامه تحصیل در مدارس عالی پلی تکنیک هستند با وارد شدن به این مدارس و گذراندن ۴ سال می‌توانند در آینده کارآفرینان صنایع کوچک باشند. در این مدارس رشته‌هایی همچون نساجی و پوشاک، چرم و کفش، معماری و ساختمان، برق و الکترونیک، چوب و سلولزی و ... با گرایشهای لازم در جهت اداره صنایع مربوط مثلاً حسابداری، مدیریت، کنترل کیفیت، تحقیق و توسعه، خلاقیت و نوآوری، منابع انسانی و ... تدریس خواهد شد تا پس از پایان تحصیلات و موفقیت دانش‌آموختگان در

قرار باشد سود به شکل سپرده در بانکهای خارجی بلوکه شده و یا صرف واردات کالاهای خارجی شود در آن صورت ارزش لازم را برای توسعه اقتصادی ندارد. آنچه مهم است سرمایه‌گذاری مجدد بخش عظیمی از این سود در راه توسعه ظرفیتهای تولیدی و فعالیتهای صنایع می‌باشد.

ضرورت دارد کلیه قوانین از جمله قانون مالیاتها، سیاستهای تشویق صادرات، سیاستهای گمرکی، معافیتهای مالیاتی، یارانه‌ها و ... با توجه به راهکارهای لازم برای پیشرفت این‌گونه صنایع پی‌ریزی شوند. می‌توان علاوه بر اعطای وام با بهره کم به صنایع کوچک، خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌های فنی یا بازاریابی، مدیریت و غیره را به صورت رایگان در اختیار این صنایع قرار داد. ساخت مجموعه‌ای از ساختمانها متناسب با صنایع کوچک و در اختیار قراردادن آنها به صورت اجاره‌ای یا فروش نیز می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی کمک نماید.

از مشکلات دیگر توسعه، نوجوانانی هستند که نمی‌توانند یا مایل نیستند به دانشگاه راه یابند. پیشنهاد می‌شود که این جوانان پس از پایان دوره راهنمایی تحصیلی بتوانند وارد هنرستانهای عالی مشاغل شوند تا پس از گذراندن یک دوره